

بایسته‌های هنر دینی تمدن‌ساز مبتنی بر روایات عیون اخبار الرضا علیه السلام

* جواد امین خندقی

** ابراهیم محمدزاده مزینان

چکیده

هنر یکی از مهم‌ترین جنبه‌های تمدن است. تحقق تمدن اسلامی نیاز به هنر دینی تمدن‌ساز نیز دارد. هنر دینی را می‌توان از منظرهای مختلفی همچون متون دینی تعریف کرد. در این پژوهش، برای رسیدن به مؤلفه‌های هنر دینی تمدن‌ساز، کتاب *عیون اخبار الرضا* انتخاب شده است. در این نوشتار، با بهره‌گیری از روش گردآوری کتابخانه‌ای و تحلیل کیفی، پس از بیان چارچوب نظری، مبتنی بر کتاب *عیون اخبار الرضا*، مؤلفه‌های هنر دینی تبیین می‌شود. نتایج نشان می‌دهد که هنر دینی معیار، مبتنی بر توحیدگرایی و خدامحوری شکل می‌گیرد و باید بر اساس شرع و معیارهای موجود در متون اصیل دینی به وجود آید. همچنین باید تداعی‌کننده نمادها و مظاهر دینی باشد و زیبایی اصیل را نمایان سازد. حاصل این نگاه می‌تواند ملاکی برای ارزیابی آثار هنری در زمان گذشته و حال و همچنین ارایه الگو با در نظر داشتن جنبه‌های تمدنی برای برون‌رفت از وضعیت موجود باشد.

واژگان کلیدی

هنر معیار، تمدن اسلامی، هنر اسلامی، امام رضا، عیون اخبار الرضا.

*. استادیار گروه ادبیات نمایشی مؤسسه آموزش عالی فردوس.

** کارشناس ارشد تاریخ و تمدن ملل اسلامی و طلبه سطح چهارم حوزه علمیه خراسان. (نویسنده مسئول).

ebrahimmazinani99@gmail.com

پذیرش: ۱۴۰۰/۸/۲۳

دریافت: ۱۴۰۰/۴/۲۸

طرح مسئله

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تمدن‌ساز در یک فرهنگ، هنر است. هنر چه در حیطه خلق یا فهم آن، بر فرد و در پی آن، جامعه و فرهنگ، تأثیرگذار است. هنر در تمدن اسلامی، جایگاه ویژه‌ای دارد و نمایان‌گر جلوه‌های عظیم، با شکوه و کم‌نظیر معنویت اسلامی است. می‌توان گفت توجه به هنر در میان مسلمانان نیز از پیش از اسلام وجود داشته است و با ظهور اسلام مبتنی بر آموزه‌های دینی متحول شد و به تدریج، در طی قرن‌های بعدی، راه ترقی و کمال را پیمود. منشأ اصلی این توجه، منابع دینی و از جمله، سیره و سخن اهل بیت بوده است. تلاش اصلی و دائمی هنرمندان مسلمان این بوده تا هنر را وسیله‌ای برای بیان فرهنگ اسلامی خویش و ابزاری در جهت تبلیغ و ترویج آن قرار دهند. در طول تاریخ، هنر اسلامی در شاخه‌های مختلفی همچون معماری، نگارگری، خوشنویسی، قالی‌بافی، ادبیات و ... جلوه‌گر شده است.^۱

مهم‌ترین عامل بازشناسی هنر دینی، شناخت محتوا، مؤلفه‌های معیار و جهان‌بینی آن دین است.^۲ یکی از منابع مهم برای شناخت مؤلفه‌های هنر دینی که می‌تواند تمدن دینی اسلامی را محقق کند، متون دینی است. در این میان، روایات جایگاه بسیار ویژه‌ای دارند. در این پژوهش، روایات کتاب **عیون اخبار الرضا** انتخاب شده است. بر این اساس، پرسش اصلی در این پژوهش این است که مؤلفه‌های هنر دینی در بیان امام رضا علیه السلام مبتنی بر کتاب **عیون اخبار الرضا** چیست؟

در زمینه پیشینه این پژوهش، بررسی منابع نشان می‌دهد که تاکنون پژوهش‌های زیادی در باب هنر و تمدن اسلامی و همچنین هنر در دیدگاه امام رضا نگاشته شده است، اما هیچ پژوهشی به‌طور اختصاصی به احادیث **عیون اخبار الرضا** نپرداخته است. در عین حال، با جستجو در منابع، دو مورد مرتبط با مسئله این پژوهش یافت شد. باقری‌پور (۱۳۹۷) با نظر به هدایت زیبایی‌شناسانه و با استفاده از روش تحلیل و تفسیر مفهومی، به تحلیل مفهوم زیبایی در آیات قرآن و سیره رضوی پرداخته است و سپس با استفاده از روش استنتاج به صورت قیاس عملی، مبانی زیبایی در قرآن و سیره رضوی تبیین و مبتنی بر این مبانی، اهداف، اصول و روش‌های هدایت (تربیت) را زیبایی‌شناسانه تدوین کرده است. همچنین شفاهی و بهروزی (۱۳۸۹) به همسویی‌های هنر هفتم با فرهنگ رضوی پرداخته‌اند و تأثیرات فرهنگ رضوی بر رویکرد و کارکرد هنر هفتم را این‌چنین دسته‌بندی کرده‌اند: «تعمیق باورها و کرامت انسانی»، «اشاعه معنویت‌گرایی»، «سوژه‌دهی بکر و مستند» و «الگودهی در مقابله با تهاجم فرهنگی».

۱. کاشفی، *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، ص ۱۷۶.

۲. بلخاری، *نظریه هنر و زیبایی در تمدن اسلامی*، ص ۲۰۸.

تفاوت و نوآوری در این پژوهش با موارد یاد شده، از این منظر است که در این نوشتار، روایات کتاب **عیون اخبار الرضا** منبع اصلی برای تبیین مؤلفه‌های هنر معیار دینی و تمدن‌ساز است که این رویکرد در پژوهش‌های دیگر وجود ندارد.

در این پژوهش، با بهره‌گیری از روش گردآوری کتابخانه‌ای و تحلیل کیفی، ابتدا مفاهیمی همچون هنر معیار و تمدن‌ساز و هنر اسلامی به‌عنوان چارچوب نظری بررسی می‌شود. در ادامه مبتنی بر کتاب **عیون اخبار الرضا**، مؤلفه‌های هنر معیار در کلام امام رضا تبیین می‌شود. از آنجایی که هدف اصلی در این پژوهش، تبیین مؤلفه‌های هنر دینی در راستای تحقق تمدن اسلامی است، صرف اشاره به مؤلفه‌های هنر یا زیبایی دینی مطرح نیست. همچنین بیان این امر لازم است که در این پژوهش، زیبایی در کنار هنر مطرح می‌شود، اما به‌معنای یکسان انگاشتن این دو نیست. هنر و زیبایی می‌توانند در مصداق یکی باشند، اما تطابق مفهومی ندارند. از آنجایی که بیان روایات امام رضا^{علیه السلام} در این باره بیشتر با اشاره به مصادیق است و مصادیق زیبایی در امر مصنوع انسان و نه زیبایی طبیعی، می‌تواند مصداق هنر نیز باشد، در این نوشتار آمده است. همچنین باید در نظر داشت که تعبیر فرم و محتوا به‌عنوان دو امر جداگانه یک تسامح است. در جهان خارجی، اثر هنری چیزی غیر از فرم مادی نیست و محتوا صرفاً انتزاع ذهنی مخاطب آن است. با این فرض، آنچه در این نوشتار می‌آید با لحاظ این امر است که فرم هنر باید به گونه‌ای باشد که بیان‌گر انتزاع ذهنی برای محتوای دینی مد نظر در روایات باشد و از این جهت، مسائل محتوایی مطرح می‌شود.

چیستی هنر

«هنر» در لغت به‌معنای علم، معرفت، دانش، فضل، فضیلت، کیاست، فراست، زیرکی، کار برجسته و نمایان، فن، پیشه و صنعت، تقوی و پرهیزگاری آمده است.^۱ در اصطلاح، «هنر» برای اشاره به مجموعه‌ای از فرم‌ها، شیوه‌های خلق یا نهادها به‌کار می‌رود.^۲ در طول تاریخ فلسفه و زیباشناسی، تعاریف مختلفی برای هنر ارائه شده است. مهم‌ترین تعاریف هنر عبارتند از:

۱. هنر بازنمایی^۳ طبیعت است (افلاطون^۴ و ارسطو).^۵

۱. دهخدا، *لغت نامه*، ذیل واژه «هنر»؛ معین، *فرهنگ فارسی*، ذیل واژه «هنر»؛ عمید، *فرهنگ عمید*، مدخل «هنر».

2. Stecker, *Definition of Art*, P. 136.

3. Representation (mimesis).

4. Janaway, *Plato*, P. 4-5.

5. Pappas, *Aristotle*, P.17-19.

۲. هنر، بیان چیزی است (کروچه^۲ و کالینگودد)^۳.
۳. هنر فرم دلالت‌گر^۴ دارد.^۵
۴. هنر براساس امر زیباشناختی^۶ تعریف می‌شود.^۷
۵. تعریف هنر خطاست. این امر سبب ظهور جریان ضد ماهیت‌گرایی^۸ شد.^۹
۶. بازگشت به کارکردگرایی^{۱۰}: در این میان، تعریف دیکی^{۱۱} مهم است.^{۱۲}

در این پژوهش، مبتنی بر تعریف دیکی، امری هنر به‌شمار می‌رود که از سوی نهادهای هنری مورد تحسین و پذیرش قرار گیرد. منظور از هنر، ساخته دست انسانی است که نهادهای هنری آن را به‌عنوان هنر می‌پذیرند.

هنر تمدن‌ساز

انسان، به گونه فطری، شیفته هنر است و از دیدن کارهای هنری، لذت می‌برد.^{۱۳} هنر، تمدن‌ساز است، چون فکر را روشن می‌کند، توسعه می‌دهد، تقویت می‌کند و شرافت ایجاد می‌کند.^{۱۴} ویل دورانت^{۱۵} یکی از عناصر اساسی تمدن را کوشش در راه معرفت و بسط هنر دانسته است.^{۱۶} هنر متعهد می‌تواند تمدن‌ساز باشد. هنر، به خودی خود نمی‌تواند غیرمتعهد باشد، ولی این‌که متعهد به چه چیزی باشد، از هر منظری می‌تواند متفاوت قلمداد شود، اما منظور از «هنر متعهد»، گونه‌ای از هنر است که در قالب مؤلف محور، متن محور یا مخاطب محور تعهد به غایتی دینی داشته باشد.^{۱۷} این تعهد باید در راستای ارزش‌های اسلامی و اصول دینی باشد. بر این اساس، تعریف هنر تمدن‌ساز مبتنی بر رویکرد دینی این است که هنر مبتنی بر مؤلفه‌های

1. Expression.
2. Croce, *Guide to Aesthetics*, P. 23-25.
3. Collingwood, *Principles of Art*, P.314-315.
4. Significant form.
5. Carroll, *Formalism*, P. 87-90.
6. The aesthetic
7. Beardsley, *Aesthetic Experience Regained*, 1969.
8. Anti-essentialism.
9. Weitz, *The Role of Theory in Aesthetics*, 1956.
10. Davies, *Definition of Art*, P. 218-220.
11. George Dickie, 1926.
12. Dickie, *The Art Circle: A Theory of Art*, P. 80-81.

۱۳. برجی، «چشم‌انداز فقه بر هنر نمایش»، فقه، ش ۵ - ۴، ص ۲۸۳.

۱۴. اینگرسول، «هنر و اخلاق»، فصلنامه علمی ترویجی اخلاق، ش ۱۵، ص ۱۵۹.

15. Will Durant, (1885-1981).

۱۶. دورانت، تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۳.

۱۷. ن.ک: امین خندقی، دین و سینما: آموزه‌های اخلاقی و ارزشی، ص ۴۸ - ۴۴.

دینی باشد و در راستای تحقق تمدن دینی اسلامی گام بردارد. منظور از هنر در این در بخش پیشین و مؤلفه‌های دینی در بخش‌های آینده مطرح می‌شود.

چیستی هنر اسلامی

منشأ هنر اسلامی را در جهان‌بینی اسلامی و وحی باید جست و ریشه آن را در سبب‌ها و علت‌های ظاهری نمی‌توان یافت، زیرا تفکر اسلامی تنزل اعلی به اسفل، عقلانی به جسمانی یا قدسی به این جهانی را روا نمی‌داند. سرچشمه و خاستگاه هنر اسلامی نه شریعت است و نه فقه و کلام، بلکه سرچشمه آن در باطن دین نهفته است.^۱

هنر اسلامی را نباید مترادف هنر دینی دانست، بلکه هنر دینی در اسلام جزئی از مجموعه هنرهایی است که در جغرافیای فرهنگی اسلام خلق شده‌اند. هنر اسلامی با الهام گرفتن از اصول و باطن دین قادر به ایجاد فضایی است که انسان به باطن اشیا و مفاهیم متوجه شود.^۲ بر این اساس، می‌توان هنر دینی - اسلامی را هنری دانست «که از مبانی و اصول دین، یا به‌طور خاص، آیین اسلام برخاسته باشد». بر این اساس، آثاری که هنرمند آنها را، آگاهانه یا ناخودآگاه، تحت تأثیر آموزه‌های دین آفریده است، هنر دینی، یا به‌طور مشخص، هنر اسلامی خوانده می‌شوند. بر این اساس، عنصر مقوم «دینی» یا «اسلامی» بودن هنر، مبانی اعتقادی و احساسی هنرمند و خالق اثر است که بالذات با سرزمین یا دوره خاصی پیوند ندارد.^۳

ویژگی‌های هنر اسلامی

پرداختن به وجوه مختلف هنر اسلامی، از این جهت، در راستای چارچوب نظری این پژوهش ضرورت دارد که مفهوم هنر اسلامی را روشن‌تر کرده و به این امر یاری می‌رساند که ابعاد هنر معیار تمدن‌ساز مبتنی بر ویژگی‌های هنر اسلامی مدنظر قرار گیرد. بر این اساس، می‌توان به ویژگی‌های هنر اسلامی به این شرح اشاره کرد:

۱. در هنر اسلامی، پرداختن به صورت انسان و حیوان جایگاهی ندارد.
۲. هنر اسلامی از طبیعت تقلید صرف نمی‌کند.^۴

۱. جلالی، «تعامل‌گرایی تمدن اسلامی»، *تشریح حوزه*، ش ۱۰۶ - ۱۰۵، ص ۲۲۵.

۲. نقی‌زاده، «نیاز انسان امروز به هنر دینی»، *هنر دینی*، ش ۱۵ و ۱۶، ص ۷۴ - ۵۷.

۳. تاجیک، «هنر دینی و هنرمند متعهد در اندیشه آیت‌الله مصباح»، *معرفت فرهنگی و اجتماعی*، ش ۱، ص ۲۸ - ۵.

۴. بازارگاد، *فلسفه نوین تاریخ*، ص ۱۲۱.

۳. هنر اسلامی توحیدی است.^۱
 ۵. در هنر اسلامی ارشاد و تعالی بخشیدن به مخاطب، هدف اصلی است.^۲
 ۶. هندسه در تمام ابعاد هنری تمدن اسلامی وجود دارد.^۳
- بر این اساس، هنر تمدن‌ساز نمی‌تواند فاقد مبانی، معیار و ارزش‌های عملی در نظام هنر باشد. این معیارهای ارزشی باید در تمدن اسلامی نظریه‌پردازی گردد.

راهکارهای نظری و عملی سلوک هنرمند در هنر معیار

هنر معیار مبتنی بر هنرمندی محقق می‌شود که پایبند به اصول معنوی و دینی است. در این باره، در سنت قدیم ایرانی - اسلامی، فتوت‌نامه‌ها وجود داشته که راهکارهای نظری و عملی سلوک معنوی هنرمند در فرآیند خلق اثر هنری را بیان می‌کرده‌اند. این اصول می‌تواند زمینه برای تحقق هنر معیار در تمدن اسلامی باشد.

۱. نظری

متون دینی با بیان سلسله‌ای از عقاید و باورهای دینی و اخلاقی، زمینه‌ای معنوی و نگاه باطنی را برای هنر و هنرمند ایجاد می‌کند. اگر دین را نوعی تعلق خاطر غایی^۴ نسبت به آن چیزی که مسئله غایی ماست و باید باشد، بدانیم، همواره هنر به‌عنوان بخشی از فرهنگ، صورتی از دین است.^۵ هر اثر هنری بیان‌گر تعلق خاطر غایی انسان و هر سبک هنری نشان‌گر نوعی تفسیر انسان از این مسئله است، اگرچه هنرمند اکثر موارد به چنین تفاسیری آگاه نبوده است. در هر سبکی مسئله غایی گروهی انسانی یا دوره‌ای تاریخی نمایان است.^۶ بر این اساس، هنرمند کاملاً در قید فرهنگ و از جمله دین، اثر هنری را خلق می‌کند^۷ و در نتیجه، در هر تمدن گویاترین امر برای نشان دادن الگوی زندگی آثار هنری است.^۸ پس می‌توان گفت که دین اسلام در تمدن اسلامی به‌طور مستقیم بر هنرمندان مؤثر است. هنر اسلامی مفاهیم و معانی‌ای بیش از تزئین و زیبایی دارد و هر کجا که خلق آثار هنری در خدمت جنبه‌های آیینی بوده، معنای حکمی داشته است که با ظرافت طبع هنرمند، به تصویر کشیده

۱. نوروزی، «سینمای توحیدی»، *پگاه حوزه*، ش ۲۴۸، ص ۴.

۲. همان.

۳. اخوان الصفا، *الوسائل*، ص ۸۶.

4. Ultimate concern.

5. Tillich, *Theology of Culture*, P. 40-42.

6. Ibid: 70-71.

7. Eichenberger, *New Image of Religious Film*, P. 6.

8. Berlin, *The Roots of Romanticism*, P. 2.

می‌شود و هنرمند به صورت قراردادی نماد را خلق نمی‌کند، بلکه آنها را کشف کرده و با اندیشه خود تطبیق می‌دهد. می‌توان گفت نماد مبتنی بر قراردادهای ساخت بشر نیست، بلکه جنبه‌ای از واقعیت وجودشناختی اشیاء است و به خودی خود مستقل از ادراک انسان از آن است.^۱ کاربرد بسیاری از طرح‌ها، خطوط و نقوش در هنر اسلامی، غالباً غیرتصویری، نمادین و دارای معنا است. کاربرد هنری این نمادها بیش از آن که برای تزئین و زیبایی حسّی باشد، برای انتقال معانی دینی، حکمی و مفاهیم درونی در عناصر هنری بوده است. برای نمونه، در نقوش انتزاعی، موضوع بسیاری از طرح‌ها و هنرها ایرانی است و فراوانی آن نقوش در نقش مایه‌ها، چشم‌گیر است.^۲ این به معنای آن نیست که الزاماً هنر اسلامی در تمام تجلی‌های تمدنی‌اش، مطابق آموزه‌های اسلامی است، بلکه نوعی کشف ایده مرکزی در پی بررسی هنر اسلامی به مثابه یک کل است.

می‌توان گفت که هنر به مخاطب شناخت می‌دهد و یا بینش او را تغییر می‌دهد. مخاطب قادر است پاسخ‌های شناختی منطقی و پاسخ‌های عاطفی مناسب ارائه دهد و با تجربه هنر، ذهن مخاطب درگیر مسائل شناختی می‌شود.^۳ پس ضروری است که هنرمند با مفاهیم و آموزه‌های بنیادین دینی آشنا باشد تا بتواند به آنها در هنر، صورت مادی ببخشد و از این طریق به مخاطب نیز منتقل کند.

۲. عملی

در مسیر تولید یک اثر هنری، علم به آن اثر، به تنهایی کفایت نمی‌کند؛ بلکه شناخت راه کارهای عملی نیز در خلق اثری که دارای مؤلفه‌های معیار باشد، لازم و ضروری است. بخش مهمی از توصیه‌های دینی، به گونه‌ای بیان شده‌اند که گویا میان عمل هنری و حکمت عملی هیچ بیگانگی وجود ندارد. بر این اساس هنر دینی در فرآیند عمل هنری همراه با یک سلوک معنوی - اخلاقی است.

هنرمند با رعایت و عمل به آنچه به آن توصیه شده است، با هر اثر هنری، سلوک معنوی کرده و مراحل رشد را طی می‌نماید. تلاش برای سلوک باطنی و معنوی تقریباً در بیشتر رفتارهای هنرمند و اعمال هنری لحاظ شده است و شاید به جرئت بتوان گفت که هر یک از جزئیات کار به نوعی با این نگاه عمیق باطنی و اخلاق‌مدار ارتباط یافته است.^۴

۱. الدمدو، *سنت‌گرایی*، ص ۲۴۱.

۲. هیلن براند، *معماری اسلامی*، ص ۴۹ - ۴۶.

3. John, *The Routledge Companion to Aesthetics*, P. 423.

۴. ابراهیمی، «راهکارهای نظری و عملی برای سلوک معنوی هنرمند در منشور فتوت‌نامه‌ها»، *مطالعات هنر و رسانه*، ش ۱، ص ۸.

مؤلفه‌های هنر معیار در عیون اخبار الرضا^{علیه السلام}

پس از آن که هنر تمدن ساز از حیث نظری و عملی مورد بحث واقع شد، اینک مهم‌ترین مؤلفه‌های هنر معیار در کتاب عیون اخبار الرضا^{علیه السلام} به شرح زیر است:

۱. نگاه توحیدی

یک اصل مهم در هنر معیار، توحیدی بودن آن است. یعنی اینکه در تمام اجزاء بیان‌گر توحید باشد و از آن بهره ببرد. برای نمونه، هنرمند مسلمان با سبک و شکل‌های به کار رفته در معماری مسجد که نماد الوهیت و توحید است، می‌خواسته وحدانیت الهی را به نمایش بگذارد.^۱

حضرت علی بن موسی^{علیه السلام} فرمود: شنیدم که رسول خدا^{صلی الله علیه و آله} فرمود: انگشتر عقیق در دست کنید، زیرا که عقیق، اول کوهی است که اقرار کرد به وحدانیت خدا و نبوت من و وصی بودن تو یا علی و برای شیعیان تو به بهشت.^۲ انگشتر در جواهرسازی به‌عنوان یکی از شاخه‌های هنری قرار می‌گیرد. این روایت از یک جهت هویت دینی پنهان در عقیق را بیان کرده و از سویی می‌تواند دست مایه این امر باشد که هنر در انواع خود باید جنبه توحیدی داشته باشد.

همان‌طوری که توحید یک جنبه وحدت بخش در هنر اسلامی است، در هنر معیار مبتنی بر کلام امام رضا نیز می‌توان توحیدی بودن را به‌عنوان یک مؤلفه اصلی در نظر گرفت. چراکه توحید اساسی‌ترین باور دین است و هنری که فاقد آن باشد، نمی‌تواند در ارزش‌گذاری دینی، مطلوب قلمداد شود. البته تجلی توحید در هر یک از هنرها به گونه‌ای متفاوت است.

۲. بیان‌کننده تجلی خداوند نه تمثیل و تجسم

هنر باید تجلی ذات خدا و صفاتش باشد و این امر یک مؤلفه مهم برای هنر معیار است. تجلی به‌معنای کشف ظاهر^۳ و آشکار شدن^۴ است. این مفهوم در حکمت هنر اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد و معنای تجلی کثرت از وحدت را تبیین می‌کند. در کتب روایی شیعه، بحث تجلی نمود روشن و گسترده‌ای دارد چنان که در کلام امام رضا^{علیه السلام} نیز به این وجه هنری در تمدن اسلامی اشاره شده است.

حضرت رضا^{علیه السلام} از رسول خدا^{صلی الله علیه و آله} روایت کرده که فرمود: قیامت که بر پا گردد خداوند عزوجل بر

۱. نصر، هنر و معنویت اسلامی، ص ۴۶ - ۴۵.

۲. صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۲۰.

۳. راغب اصفهانی، المفردات، ص ۹۶.

۴. قرشی، قاموس قرآن، ج ۲، ص ۴۶.

بنده مؤمن خویش تجلی کند.^۱ این بدان معنا است که «مطلق مفهوم و ماهیت هنر را - که در عام‌ترین و کامل‌ترین تعریف خود چیزی جز تصویر نمودن و آشکار کردن نیست - باید در امر مطلق تعریف نمود».^۲ بنابراین اصل تجلی در هنر معیار، ما را به منظری از مناظر حق تعالی فرا می‌خواند که خداوند در آن، حضوری آینه وار دارد. این رویت در تمثال هنر اسلامی متجلی گشته و هنری را شکل می‌بخشد که در بنیان خویش وام دار عالم خیال و مجالای آن است.^۳

۳. مطابقت هنر با شریعت

در فقه شیعه - که از علوم تمدنی به‌شمار می‌آید^۴ - رعایت اصول و موازین شرعی در هنر اسلامی امری ضروری دانسته شده است. در فقه شیعه، ساختن صورت‌های مجسم و غنا و کمک کردن به ستمگران و نوحه سرایی به باطل و هجو کردن مؤمنان، حرام دانسته شده است. چنان‌که تکسب به وسایلی که با عنوان حرام استفاده می‌شود نیز حرام شمرده شده است.^۵

چه بسا هنری همچون مجسمه موجودات دارای روح که در متون اسلامی مشروع نبوده است، اما با وجود ممنوعیت دینی، در دوره‌هایی از تاریخ تمدن اسلامی، در نزد پادشاهان، طبقات خاص و یا در میان توده‌های مردم مورد توجه قرار گرفته است،^۶ اما همان هنر در آموزه‌های اسلامی مورد توجه نبوده و به‌عنوان هنر معیار معرفی نشده است.

در کتاب «عیون اخبار الرضا» نیز به برخی از هنرهایی که مورد قبول و تأیید نیستند و مخالف شریعت به‌شمار می‌روند، اشاره شده است:

موسیقی و غنا: از حضرت رضا علیه السلام در مورد شنیدن آواز لَهو سؤال شد و ایشان فرمود: اهل حجاز را در آن رای است (یعنی می‌گویند که جایز است شنیدن آن) و حال آنکه در معرض باطل و لَهو است. آیا شنیده است قول خدا را «وَ إِذَا مَرَّوْا بِاللَّغْوِ مَرَّوْا كِرَامًا» یعنی بروند و نفس خود را بزرگ دارند از آن‌که بنشینند و گوش دهند.^۷

همچنین آن جناب فرمود که علی بن ابی‌طالب فرمود: در مسجد کوفه به ناگاه مردی از اهل شام

۱. صدوق، عیون اخبار الرضا، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۵.

۲. بلخاری، نظریه هنر و زیبایی در تمدن اسلامی، ص ۱۹۴.

۳. همان، ص ۲۰۶.

۴. ن. ک: کاشفی، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ص ۱۲۴ - ۱۱۶.

۵. ن. ک: عاملی، الروضة البهیة، ج ۳، ص ۲۱۳ - ۲۱۰.

۶. موسوی گیلانی، درآمدی بر روش‌شناسی هنر اسلامی، ص ۴۴.

۷. صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۷۵.

برخاسته و پرسش داشت ... او از معنی آواز کبوتر راعبیه سوال کرد که کبوتر زمین مخصوص است و یا قسمتی از اقسام کبوتر است؟ حضرت فرمود که نفرین می کند بر اهل ملاحی و کنیزهای مغنیه و نوازنده‌های نای و آلات.^۱

از ریان بن صلت مروی است که گفت روزی در خراسان از حضرت رضا علیه السلام سؤال کردم و عرض کردم یا سیدی، هشام بن ابراهیم عباسی از تو روایت کرده است که تو مرخص فرموده‌ای در گوش دادن به غنا، حضرت فرمود: این زندیق دروغ گفته، زیرا که از من این مسئله را سوال کرد، گفتم مردی از حضرت باقر علیه السلام این مسئله را سوال کرد، آن جناب فرمود: چون حق تعالی در روز قیامت میان حق و باطل جدا کند، غنا در کدام طرف باشد؟ عرض کرد در طرف باطل باشد، فرمود: حکمش را خودت کردی.^۲

از آن حضرت روایت کرده که گفت: امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم می فرمود: من از این ترسانم که شما در آینده دین را کوچک و بی‌اهمیت شمارید و بدان بی‌اعتنائی کنید، و در مورد حکم رشوه گیرید و منصب قضاء و داوری را خرید و فروش نمائید، و قطع رحم کنید، قرآن را آلت لهو و لعب قرار دهید و با قرائت آن مجلس انس آوازخوانی و نوازندگی تشکیل دهید، و بالاخره در نماز جماعت کسانی را مقتدا قرار دهید که در دین از شما بالاتر نیستند.^۳

ظروف طلا: سوال کردم از ظروف طلا و نقره، آن جناب مکروه داشت ظروف طلا و نقره را، (یعنی فرمود استعمال آنها حرام است) پس من عرض کردم بعضی از اصحاب ما روایت کرده‌اند که برای حضرت موسی بن جعفر آینه‌ای بود که نقره گرفته بودند. فرمود: نه بحمدالله! بلکه آن آینه را حلقه‌ای بود از نقره و نزد من است. و فرمود که عباس، یعنی برادر آن حضرت هنگامی که مکلف نشده بود، چوبی برای او ساخته بودند و آن را به نقره گرفته بودند، مثل چیزهایی که برای اطفال می‌سازند و به قدر ده درهم نقره داشت که حضرت موسی بن جعفر امر فرمود او را شکست.^۴

لباس منقش: محمد بن اسماعیل بن یزید از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده است که از آن حضرت سوال کردم از آن جناب در نماز کردن در جامه‌ای که منقش باشد، آن حضرت مکروه داشت جامه‌ای که در آن تمثال و صورت نقش شده باشد.^۵ طراحی لباس یکی از شاخه‌های هنر سنتی و مدرن است و این روایت در راستای بیان معیار برای طراحی لباس حایز اهمیت است.

۱. همان، ج ۱، ص ۵۰۵.

۲. همان، ص ۶۸۰.

۳. همان، ج ۲، ص ۵۱ - ۵۰.

۴. همان، ج ۱، ص ۶۹۰.

۵. همان، ص ۶۸۹.

۴. هنر ابزاری برای انتقال معارف دینی

هنر در اسلام ابزاری برای انتقال معارف دینی به‌شمار می‌رود و جنبه تبلیغی دارد. می‌توان گفت هنر معیار برای تمدن اسلامی باید این امر را در نظر داشته باشد. در کلام امام رضا علیه السلام مضمون چیزهایی که باید در این امر لحاظ شود، بیان شده است. این نکات می‌توان راهگشای تبیین هنر معیار باشد. توجه دادن به اهل بیت: از آن حضرت به نقل از جدش امام صادق علیه السلام آمده است که آن جناب فرمود: بر مهر (نگین انگشتری) پدرم محمد بن علی الباقر علیه السلام این رباعی نقش شده بود (ترجمه): گمانم به خدا نیکو است و همچنین بر رسول مؤتمنش، و به وصی نظر بلند و پر احسانش، و به حسین و حسنش.^۱

بیان معارف اسلامی: شعر و شاعری از مظاهر تمدنی است. با ظهور اسلام و ترویج فرهنگ اسلامی و آموزه‌های دینی، ادبیات منظوم در میان ادبیات عرب و فارسی تغییر ژرفی یافت. از میان منابع تمدن اسلامی، قرآن و نهج البلاغه تأثیر فراوانی بر شعر گذاشته است. از این‌رو، کمتر نوشتار ادبی را می‌توان یافت که با نیایش‌های قرآنی، ستایش پیامبر و علی علیه السلام آغاز نشود.^۲ ضمن اینکه بسیاری از واژه‌های جاهلی به تدریج تغییر محتوا داد و کلماتی چون وفا، صداقت، سخاوت و شجاعت جای خود را باز کرد^۳ در کتاب عیون بارها از این هنر یاد شده و نام شعرا مطرح گردیده است.

«از محمد بن سلیمان نوفلی مروی است که گفت: مامون، علی بن موسی الرضا علیه السلام را ولیعهد خود قرار داد و شعرا از اطراف به جانب مامون آمدند و حضرت رضا علیه السلام را مدح کردند و مامون ایشان را صلح‌های بسیار عطا کرد و رای مامون را در این اشعار مدایح آن جناب صواب دانستند به غیر از ابی‌نواس که نه در آن جناب روی نهاد و نه مدح آن جناب کرد.»

از آنجایی که اهل بیت یکی از مهم‌ترین جنبه‌های فرهنگی تمدنی در اسلام به‌شمار می‌روند و مهم‌ترین وقایع تاریخ اسلام توسط ایشان رقم خورده است، می‌توان گفت اشعاری که در بیان معارف و سیره ایشان است، نوعی ابزار نشر فرهنگی - تمدنی به‌شمار می‌آید. ذکر مناقب پیامبر و ائمه در اشعار شعرای متعهد نمود داشت. همچنین مرثیه سرایی نیز در میان پیروان مذهب شیعه از زمان ائمه اطهار معمول بود و شعرای متعهدی چون دعبل خزائی (۱۴۸ - ۲۴۶ ق) و دیگران از همان زمان به

۱. همان، ج ۲، ص ۱۲.

۲. کاشفی، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ص ۱۸۰.

۳. ن.ک: ابن‌ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۸؛ زیدان، تاریخ تمدن اسلام، ص ۵۱۳؛ الفاخوری، تاریخ ادبیات زبان عربی، ص ۵۰۰.

تشویق ائمه به این کار مبادرت می‌ورزیدند.^۱

در باب ۶۵ عیون، اشعار متعددی در رثای حضرت رضا علیه السلام سروده شده است که وجوه تمدنی در این اشعار مشهود است. از جمله می‌توان به مواردی همچون معرفی طوس و بقعه امام رضا علیه السلام به عنوان یک مرکز فرهنگی و تمدنی،^۲ بیان تاریخ اهل بیت،^۳ بر شمردن نمادهای تمدن‌سازی مانند شهادت و زیارت،^۴ توجه دادن به وجه تمدن‌ساز بودن ائمه علیهم السلام^۵ اشاره کرد. توجه دادن به مسئله انتظار: از اشعار مورد تأیید امام رضا علیه السلام ابیاتی است که دعبل خزاعی در وصف حضرت ولی عصر سروده است.

خُرُوجُ إِمَامٍ لَا مَحَالَةَ خَارِجٌ
يَقُومُ عَلَيَّ اسْمُ اللَّهِ وَالْبَرَكَاتِ
يَمِيزُ فِينَا كُلَّ حَقٍّ وَبَاطِلٍ
وَ يَجْزِي عَلَيَّ التَّعْمَاءِ وَ التَّقِيمَاتِ

حضرت رضا علیه السلام گریه سختی کرد و بعد سر مبارک را به سوی من بلند کرد و فرمود: ای خزاعی! جبرئیل این دو شعر را بر زبان تو جاری ساخته است.^۶ این بیان اهمیت شعر را نشان می‌دهد که می‌تواند در زمینه تمدن آینده اسلام چه نقش مهمی ایفا کند. حضرت رضا علیه السلام نیز از شعر در تبلیغ دین و بیان ویژگی‌های تمدنی همچون حلم، علم، نیکویی، کتمان سرّ و ... استفاده برده است. باب ۴۳ عیون اخبار الرضا به این امر اشاره دارد.^۷

۵. هنر و صف‌کننده زیبایی

در تمدن اسلامی تعاریف متعددی از «زیبایی» شده است. مبانی تمام تعاریف موجود نظری صرف بوده است. تا قبل از ظهور ابن‌هیثم زیبایی گاه به قرب و کمال تعریف می‌شد (زیبایی معقول) چنان‌که فارابی زیبایی را کمال تعریف می‌کرد و معتقد بود هرچه موجود به کمال نهایی‌اش نزدیک‌تر شود، زیباتر

۱. جلالی، معنای هنر شیعی، ص ۱۱۷.

۲. صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۶۰۴ - ۶۰۳.

۳. همان، ج ۲، ص ۶۰۶ - ۶۰۵.

۴. همان، ص ۶۰۹ - ۶۰۸.

۵. همان، ص ۶۱۳.

۶. همان، ص ۶۴۴.

۷. ن.ک: همان، ص ۴۰۸ - ۳۹۶.

می‌گردد^۱ و گاه به نظم و توازن؛ چنان‌که ابن‌سینا زیبایی را مشتمل بر نظم، ترکیب‌بندی و اعتدال می‌دانست و نفس حیوانی، عشق به زیبایی را غریزی می‌دانست.^۲ هنر معیار بیان‌کننده معیار زیبایی و زیبایی ناب است. در عیون نیز انواع زیبایی اشاره شده است که می‌تواند زیبایی ناب را تبیین کند.

لباس زیبا: در روایتی از عبدالسلام بن صالح ابوصلت هروی مروی است که گفت: من با علی بن موسی الرضا بودم در حالتی که آن جناب از نیشابور کوچ کرده و بر استری سیاه و سفید سوار بود و بر سر مبارک او ردایی از خز بود که منقش و نگارین و صاحب دو رو بود. یعنی پشت و روی آن مثل یکدیگر نگارین بود.^۳ باید توجه داشت که طراحی لباس که شامل نقوش آن نیز می‌شود، یکی از هنرهای سنتی و مدرن است.

صوت زیبا: حضرت رضا علیه السلام نقل فرموده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: به آوازهای نیکو قرآن تلاوت کنید، زیرا که صوت حسن قرآن را نیکو کند و زینت دهد پس از آن این آیه شریفه را تلاوت فرمود: «يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ».^۴ همچنین علی بن موسی الرضا از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده است: قرآن را با صوت نیکو قرائت کنید، زیرا خوش‌صوتی حسن قرآن را برای شنونده می‌افزاید.^۵

منظره زیبا: از آن حضرت روایت شده است که امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: بوی خوش، حرز است و سوارکاری و شست‌وشوی نیز، حرز است، همچنان‌که دشت و دمن نگریستن حرز است. (اعصاب را آرامش می‌بخشد).^۶

۶. نور و رنگ در هنر

توجه به نور و رنگ در هنر بسیار اهمیت دارد و اساس تفاوت برخی از سبک‌های هنری در همین زمینه است. در روایات عیون می‌توان مواردی را دنبال کرد که در زمینه نور و رنگ مطالبی دارند و می‌تواند یک مؤلفه مهم زیباشناختی برای هنر معیار باشد. این مؤلفه نشان می‌دهد که در هنر معیار دینی، تنها جنبه‌هایی محتوایی و موضوعی اهمیت ندارد و جنبه زیباشناختی نیز اهمیت دارد.

وصف نور و رنگ: آیه‌الکرسی، آیه نور و دیگر آیات همانند آن، حدیث معراج، دیگر احادیث نبوی و احادیثی که در عیون به آنها اشاره خواهد شد، کیهان‌شناسی را در تمدن اسلامی شکل می‌دهد که در

۱. ن.ک: فارابی، *آراء اهل المدينة الفاضلة*، ص ۴۲.

۲. ابن‌سینا، *رسالة في ماهية العشق*، ص ۱۷.

۳. صدوق، *عیون اخبار الرضا*، ج ۲، ص ۲۹۱.

۴. همان، ص ۱۱۸.

۵. همان، ص ۱۲۵.

۶. همان، ص ۴۷.

آن روح انسانی در مرکز جهان قرار گرفته و فرشتگان پایه‌های عرش الهی را بر دوش می‌کشند و معماری قدسی همچون ساخت سجده و سازه‌های آن ترسیمی از جهان‌بینی اسلامی است که با فرشته‌شناسی و کیهان‌شناسی اسلامی گره خورده است.^۱ از سویی دیگر، نور الهی و نور اولیاء او در عیون به‌عنوان نماد معنوی شناخته می‌شوند که می‌تواند مؤلفه‌ای برای هنر معیار باشد. آیات و احادیث معصومین نور را صفت اظهاری و به‌عبارت دیگر، عرفا و حکما نور را اسم مظهر می‌دانند. هنر متأثر از این عرفان، نورالانوار را به وجود می‌آورد.^۲

جبابی با سند خود از امام رضا علیه السلام روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مؤمن با نور خدا می‌نگرد^۳ و فرمود: امام چون خورشید جهان تاب است که نور و فروغش سراسر جهان را فرا می‌گیرد، خود در افق‌های اعلائی است که کسی را قدرت رسیدن به درجه او نیست.^۴

با تأکید متون دینی بر نور و رنگ، هنر معیار معانی لطیف را در قالب هنری خود نمایان می‌سازد. «رویکرد حکما و عرفای مسلمان به نور و رنگ، معانی لطیف و مفاهیم ظریفی از این عناصر هنری ارائه نمود که در آثار شگفت و متعالی هنرمندان مسلمان به کمال ظهور یافت. تأکید قرآن بر نور بازتاب کامل این معنا در ذوق و عقل و خیال حکما و عرفای مسلمان دست‌مایه‌ای عمیق در دست هنرمندان مسلمان نهاد که در آثار خود معانی لطیف، روحانی و آسمانی را با رنگ‌های شفاف، براق، نرم و مواج به تصویر کشند و مفاهیم غیر لطیف را با رنگ‌هایی غلیظ و شدید».^۵

وصف رنگ و بهشت: رنگ یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های زیباشناختی در هنرها است. همچنین می‌توان گفت که رنگ ابزاری برای ظهور معنا در اثر هنری است. سرگذشت رنگ در اندیشه و تمدن اسلامی با قرآن آغاز می‌شود. قرآن در تبیین بهشت، از رنگ استفاده نموده است. تصویرگری نمادین بهشت با استفاده از رنگ‌های سرورآفرین و بهجت‌زا به انجام رسانید. قرآن رنگ زرد را سرور آفرین خوانده است،^۶ در تصویرگری بهشت با استفاده از رنگ‌های سبز،^۷ سفید^۸ و قرمز^۹ جهانی از رنگ و نور در

۱. نصر، هنر و معنویت اسلامی، ص ۴۵ - ۴۴.

۲. بلخاری، نظریه هنر و زیبایی در تمدن اسلامی، ص ۱۵۷.

۳. صدوق، عیون اخبارالرضا، ج ۲، ص ۱۰۶.

۴. همان، ص ۳۹۷.

۵. بلخاری، نظریه هنر و زیبایی در تمدن اسلامی، ص ۱۵۲.

۶. بقره / ۶۹

۷. انسان / ۲۱.

۸. صافات / ۴۶.

۹. فاطر / ۲۷.

ذهن متخیل مخاطب تصویر شده است. احادیث و روایاتی نیز بر حضور این رنگ دلالت نموده و آن را به‌عنوان عاملی میان جهان ماده و جهان نور مطرح کرده‌اند.

حضرت رضا علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود: خداوند، براق که از مرکب‌های سواری بهشت است را رام من گردانید، آن نه چندان کوتاه بود و نه چندان بلند، و اگر خداوند به او اجازه می‌داد همه دنیا و آخرت را با یک گام طی می‌کرد و آن از تمام حیوانات سواری خوش‌رنگ‌تر می‌بود.^۱ اهمیت رنگ در این روایت مبتنی بر ارزش‌گذاری مثبت برای براق است.

محمد بن احمد بغدادی از دارم نهشلی از علی بن موسی از پدرش از پدران بزرگوارش علیه السلام از علی بن ابی‌طالب علیه السلام روایت کرده که آن جناب فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله درحالی که انگشتی از عقیق یمانی رنگارنگ در دست داشت، بر ما درآمد و به امامت با ما نماز جماعت خواند.^۲

آنچه از آیات و روایات برمی‌آید این است که رنگ از اهمیت فوق‌العاده‌ای در تصویرپردازی معانی برخوردار است و مهم‌تر آن که آفرینش جهانی نمادین بر پایه رنگ است. آیات و روایات در بازآفرینی بصری و در عین حال مثالی بهشت و به رنگ در تمدن و اندیشه اسلامی ساختی مثالی و نمادین بخشید.^۳

ممکن است بگوییم این دو بیان، دو نوع استفاده از رنگ را بیان می‌کنند و رنگ می‌تواند معانی مختلفی داشته باشد، اما این امر برای این پژوهش کافی است که بدانیم نور و رنگ از مؤلفه‌های مهم هنر معیار دینی در روایات است که در موارد یاد شده به روشنی دیده می‌شود.

همچنین از آن حضرت روایت شده است که گفت: [حسن بن] علی رضی الله عنه فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله به دو دست مبارک خویش گل سرخی را به من داد، چون آن را به بینی خود نزدیک نمودم فرمود: این گل سرخ بعد از برگ درخت «مورد» از سید گل‌های بهشت است^۴ و فرمود: چون پیامبر در قلب خویش به خدای نظر می‌کند، حق در قلب او نوری قرار می‌دهد همچون نور حجب، تا اینکه این حجاب‌ها زائل شود. همان نور خدا از هر سبزی سبزتر و از هر سرخی سرخ‌تر و از هر سفیدی سفیدتر است که کتاب و سنت بدان گواهی می‌دهند.^۵

۱. صدوق، *عیون اخبار الرضا*، ج ۲، ص ۲۴.

۲. همان، ص ۲۹۲.

۳. بلخاری، *نظریه هنر و زیبایی در تمدن اسلامی*، ص ۱۴۱.

۴. صدوق، *عیون اخبار الرضا*، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۴۸.

۵. همان، ص ۱۱۵.

۷. تداعی ایمان و معنویت

از دیگر مؤلفه‌های هنر معیار، ارتباط هنر با معنویت و امر قدسی است. فرهنگ اسلامی سرشار از ارتباط میان معنویت و علم است. هنر دینی اکثراً هدف زیبایی‌ظاهری را نادیده می‌گیرد و زیبایی آن بیش از هر چیز حقیقت معنوی سرچشمه می‌گیرد^۱ از این رو، هدف غایی هنر، نمایان ساختن حقایق فرامادی و اصل ملکوتی و ساحت جاویدان برای مخاطب است^۲ که این امر از اصل ایمان و وصف آن برمی‌خیزد.

امام رضا^{علیه السلام} از رسول خدا روایت کرده است که فرمود: بهترین اعمال در پیشگاه خداوند ایمانی است که شک و دودلی در آن راه نداشته باشد^۳ و فرمود: مؤمنی درباره ما مدیحه‌سرایی نکرده است مگر این که خداوند در بهشت شهری هفت برابر دنیا سازد و هر ملک مقرب و نبی مرسل او را در آن شهر زیارت کند.^۴ بنابراین هنر برآمده از معنویت است و ایمان ارتباط فراوانی با هنر دارد. در این روایت، امام رضا^{علیه السلام} شاعر و هنرمند را با ایمان توصیف کرده و هنر معیار را با معنویت گره زده است.

هنر تمدنی مؤلفه‌ها و عناصر خاص خود را دارد. ماهیت آثار هنرمندان سنتی مسلمان، بیانگر نوعی گرایش به حکمت، معنویت و ترسیم عالم و مراتب عالی وجود است. این هنرمندان به ترسیم عالم معنویت و عالم مثال پرداخته و تصویری از بهشت برین و عالم ملکوت را ترسیم نموده‌اند. درواقع با اعتقاد به دین و معنویت، صور و شکل‌های جدیدی از آثار هنری شکل می‌گیرد.^۵ بنابراین ذوق هنری و خلق آثار زیبایی، برآیندی از روح پاکیزه و لطیف است و مؤمنان مستعدترین شرایط روحی را در به کارگیری طبع و ذوق لطیف دارند و می‌توان همسویی ذوق سرشار از زیبایی را از جمله ویژگی‌های ایمان و مؤمنان دانست.^۶

۸. معماری اسلامی تجلی هنر قدسی

معماری اسلامی در مواردی همچون معماری مسجد، یکی از هنرها قدسی و معنوی است، زیرا به‌طور مستقیم با شعائر دینی مرتبط است. «در مورد معماری اسلامی این تقدس بخشی، بیش از هر

۱. شوان، اصول و معیارهای هنر جهانی، ص ۹۷.

۲. بورکهارت، هنر مقدس، ص ۸۴.

۳. صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۳.

۴. همان.

۵. موسوی گیلانی، درآمدی بر روش‌شناسی هنر اسلامی، ص ۱۸۶.

۶. بلخاری، نظریه هنر و زیبایی در تمدن اسلامی، ص ۵۴.

چیز به کمک قطبی کردن فضا براساس حضور خانه کعبه شکل می‌گیرد.^۱ براین اساس، امام رضا علیه السلام درباره کعبه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین الگوهای معماری اسلامی می‌فرماید: خداوند عزوجل دوست داشت که سایر بندگان و عبادت‌کنندگان، مانند ملائکه عبادت کنند، لذا در آسمان چهارم در محاذی عرش خانه‌ای قرار داد که بدان «ضراح» می‌گفتند، سپس در آسمان دنیا خانه‌ای بنا نهاد که آن را «بیت‌المعمور» می‌گفتند و آن محاذی ضراح بود؛ آنگاه خانه کعبه را وضع نمود و در برابر بیت المعمور و محاذی آن و آدم ابوالبشر را دستور داد تا به گرد آن طواف کند.^۲

در حکمت معماری اسلامی و تبیین مبانی دینی آن، این امر مطرح است که کعبه تنها یک چهارگوش نیست، بلکه به نماد ثبات و نماد معبد چهارگوشی است که در بهشت قرار گرفته و نمایانگر هنر ازلی است «و علت اینکه محل بیت در میانگین زمین وضع شده برای اینست که آنجا موضعی است که زمین از زیر آب بیرون آمده و همه بادها از زیر رکن شامی است و آغاز پیدایش خشکی است و بعد آرام آرام خشکی‌ها از زیر بدان پیوسته است و گسترده شده و بدان جهت آن در وسط قرار گرفته و فرض ساکنین ربع مسکون در این باره یکسان است تا از اطراف جهان شرق و غرب فاصله‌اش بیک نسبت باشد.^۳

معماری مطلوب دینی به‌عنوان مصداقی برای هنر معیار، قدسی و معنوی است و به جهان‌شناسی دینی مرتبط است. معماری به‌عنوان یک هنر تمدن‌ساز، بیانگر روح اسلامی و آئینه تمام‌هنرها است. از این‌رو، علی بن موسی از رسول اکرم نقل کرده است که ایشان در وصف امیرالمؤمنین فرموده: (رستگاران آن‌اند که به بهشت دست یافتند) بدوش تو باشد و تو حامل آن باشی، خداوند این را نیز پذیرفت، چهارم این بود که از خدایم خواستم که تو ساقی حوض کوثرم باشی و قبول فرمود، و اما پنجم این بود که تو سوق دهنده و جلودار امت من به فردوس جنان باشی.^۴

۹. صورت و هنر معیار

هنر با معنای صورت‌ها سروکار دارد. برای فهم معنای هنر، باید معنای صورت‌ها را فهمید. هنر یکی از مهم‌ترین تجلیات اصول سنت دینی‌اند. از آن حضرت از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود: دخترم فاطمه محشور گردد درحالی که حله کرامت که به آب حیات سرشته شده دربردارد، و تمام

۱. نصر، هنر و معنویت اسلامی، ص ۴۷.

۲. صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۷۷.

۳. همان، ص ۱۷۶.

۴. همان، ص ۱۹.

خلایق به آن نظر کنند و از آن تعجب نمایند، سپس از حله‌های بهشتی هزار حله که بر هر یک با خط سبز نوشته شده است: «دختر محمد» را به بهشت برید و داخل گردانید با کمال شکوه و بهترین صورت و حسن منظر.^۱

محمد بن ابراهیم طالقانی به سند مذکور متن از حسن بن فضال نقل کرده که گفت: من به حضرت رضا علیه السلام عرضه داشتم یا ابن رسول الله! چرا خداوند مخلوقات خود را یکنوع نیافرید و آنها را (از نظر صورت) گوناگون خلق فرمود؟ امام علیه السلام در پاسخ گفت: برای اینکه فکر نکنند خداوند عاجز است، و صورتی به ذهن ملحدی خطور نکند جز آنکه خداوند مانند آن صورت مخلوقاتی دارد، و نیز کسی نگوید: آیا خدا می‌تواند به فلان صورت و شکل موجودی بیافریند، مگر اینکه مثل آن را در آفریدگان خداوند تبارک و تعالی بیابد، و با توجه به انواع گوناگون خلقت دانسته شود که خداوند بر هر چیزی تواناست.^۲

زیبایی هنر مقدس بیش از هر چیز از حقیقت معنوی دقیق بودن جنبه نمادین و تمثیلی آن و نیز از فایده آن برای اعمال آیینی و مشاهده عرفانی سرچشمه می‌گیرد.^۳ در عیون نیز اعمال آیینی و زیارت قبور ائمه اطهار از نمادهای صوری هنر معیار معرفی شده است.

نتیجه

هنر همواره یکی از مهم‌ترین جنبه‌های فرهنگی - تمدنی بوده است. اما اگر به دنبال تمدن‌سازی دینی باشیم، باید معیار تمدنی‌ای داشته باشیم که برگرفته از دین است. بر همین اساس، ارزش‌گذاری هنر نیز می‌تواند معیاری دینی داشته باشد. اما بهترین راه برای یافتن معیار برای هنر تمدن‌ساز در راستای دین اسلام، بیان معصومان است. از این جهت که ایشان به‌طور مستقیم به هنر و زیبایی‌شناسی نپرداخته‌اند، همواره نیاز به جست‌وجو و تبیین دیدگاه آنها اولویت پژوهشی داشته است. دیدگاه مستخرج از بیانات معصومان می‌تواند مؤلفه‌های هنر معیار برای تمدن اسلامی را تعیین کند. بر این اساس، در این پژوهش، معیار کتاب «عیون اخبار الرضا» و «بیانات امام رضا علیه السلام» مد نظر قرار گرفت. این پژوهش نشان می‌دهد که مبتنی بر اندیشه امام رضا و سیره عملی ایشان که در کتاب عیون منعکس شده است، تمدن اسلامی به تفکر، جهان‌شناسی و هستی‌شناسی تأکید دارد و در کنار

۱. صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۰.

۲. همان، ص ۱۳۸.

۳. شوان، کاست‌ها نژادها، ص ۸۱ - ۸۰.

آن، آموزه‌های اسلامی بر اندیشه، رفتار و احساسات و ذوق‌ها تأثیر گذاشته است و از این گذر، به هنر و ذوقیات زیبایی شناختی خاصی در تمدن اسلامی انجامید. برای تحقق تمدن دینی اسلامی و توسعه هنر اسلامی در معنای مطلوب دینی آن، باید هنر معیار مبتنی بر رعایت توحیدگرایی و خدامحوری شکل گیرد. هنر معیار تمدن‌ساز باید براساس شرع و معیارهای موجود در متون اصیل دینی به وجود آید و نباید هیچ‌گاه علیه شریعت گام بردارد. هنر تمدنی باید تداعی کننده نمادها و مظاهر دینی باشد و زیبایی اصیل را در علم و عمل نمایان سازد. هنرمند واقعی نیز با دمیدن روح ایمان و معنویت در روح خود، به خلق اثر هنری و ماندگار دست می‌یابد. حاصل این نگاه می‌تواند ملاکی برای ارزیابی آثار هنری در زمان گذشته و حال باشد و ارزش‌گذاری دینی بر روی آثار صورت پذیرد. همچنین برای برون‌رفت از وضعیت موجود و رسیدن به وضعیت مطلوب با در نظر داشتن جنبه‌های تمدنی اسلامی، الگوی مناسب تعیین کرد. به‌عنوان آینده این پژوهش، می‌توان معیارهای به‌دست آمده را بر روی مصادیق تحلیل کرد و یا اینکه همین رویه برای کتب روایی دیگر انجام شود.

منابع و مأخذ

۱. **قرآن کریم**، ترجمه مکارم شیرازی.
۲. ابراهیمی، احمدرضا، «راهکارهای نظری و عملی برای سلوک معنوی هنرمند در منشور فتوت‌نامه‌ها»، **مطالعات هنر و رسانه**، ش ۱، ص ۳۶ - ۱۱، ۱۳۹۸.
۳. ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمید، **شرح نهج البلاغه**، محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چ ۲، ۱۳۸۷.
۴. ابن‌بابویه، علی بن محمد، **عیون اخبار الرضا**، آقانجفی اصفهانی، قم، نبوغ، چ ۱، ۱۳۹۰.
۵. ابن‌بابویه، علی بن محمد، **عیون اخبار الرضا**، علی‌اکبر غفاری، تهران، صدوق، چ ۱، ۱۳۷۴.
۶. ابن‌سینا، حسین بن عبدالله، **رسالة فی ماهیة العشق**، احمد آتش، استانبول، ۱۹۵۳ م.
۷. اخوان‌الرضا، **رسائل اخوان الصفا و خلان الوفا**، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۲۰۰۵ م.
۸. امین‌خندقی، جواد، **دین و سینما: آموزه‌های اخلاقی و ارزشی**، قم، ولاء منتظر، ۱۳۹۱.
۹. اینگرسول، رابرت جی، ترجمه مهدی حبیب‌اللهی، «هنر و اخلاق»، **فصلنامه علمی ترویجی اخلاق**، ش ۱۵، بهار، ص ۱۶۲ - ۱۴۷، ۱۳۸۸.
۱۰. برجی، یعقوب علی، «چشم‌انداز فقه بر هنر نمایش»، **فقه**، ش ۵ - ۴، ص ۲۸۴، ۱۳۷۴.
۱۱. بلخاری قهی، حسن، **نظریه هنر و زیبایی در تمدن اسلامی**، تهران، سوره مهر، چ ۱، ۱۳۹۴.

۱۲. بورکهارت، تیتوس، **هنر مقدس**، جلال ستاری، تهران، سروش، چ ۲، ۱۳۷۶.
۱۳. بازارگاد، بهاء‌الدین، **فلسفه نوین تاریخ**، تهران، نشر فروغی، ۱۳۵۶.
۱۴. تاجیک، علیرضا، «هنر دینی و هنرمند متعهد در اندیشه آیت‌الله مصباح»، **معرفت فرهنگی و اجتماعی**، سال ۳، ش ۱، ص ۲۸-۵، ۱۳۹۰.
۱۵. جلالی، غلامرضا و دیگران، **معنای هنر شیعی**، قم، مؤسسه بوستان کتاب، چ ۱، ۱۳۹۴.
۱۶. جلالی، غلامرضا، «تعامل‌گرایی تمدن اسلامی»، **نشریه حوزه**، ش ۱۰۶-۱۰۵، ۱۳۸۰.
۱۷. الدمودو، کنت، **سنت‌گرایی: دین در پرتو فلسفه جاویدان**، رضا کورنگ بهشتی، تهران، حکمت، ۱۳۸۹.
۱۸. دهخدا، علی‌اکبر، **نعت‌نامه**، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
۱۹. دورانت، ویل، **تاریخ تمدن**، احمد آرام و دیگران، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چ ۲، ۱۳۶۷.
۲۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، **المفردات فی غریب القرآن**، محمدگیلانی، تهران، نشر مرتضوی، بی‌تا.
۲۱. زیدان، جرجی، **تاریخ تمدن اسلام**، علی جواهر کلام، تهران، امیرکبیر، چ ۶، ۱۳۶۹.
۲۲. شوان، فریتوف، **اصول و معیارهای هنر جهانی**، سیدحسین نصر، تهران، دفتر مطالعات دینی، ۱۳۷۶.
۲۳. شوان، فریتوف، **کاست‌ها نژادها**، بابک علیخانی و کامران ساسانی، تهران، حکمت، ۱۳۸۸.
۲۴. عاملی، زین‌الدین بن علی، **الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة**، قم، کتابفروشی داوری، چ ۱، ۱۴۱۰ ق.
۲۵. عمید، حسن، **فرهنگ عمید**، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۴.
۲۶. الفاخوری، حنا، **تاریخ ادبیات زبان عربی**، عبدالحمید آیتی، تهران، توس، ۱۳۷۴.
۲۷. فارابی، محمدبن محمد، **آراء اهل المدينة الفاضلة**، سید جعفر سجادی، شورای عالی فرهنگ و هنر، ۱۳۵۴.
۲۸. قرشی، علی‌اکبر، **قاموس قرآن**، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱.
۲۹. کاشفی، محمدرضا، **تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی**، قم، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، چ ۱، ۱۳۸۴.
۳۰. معین، محمد، **فرهنگ فارسی**، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۷.

۳۱. موسوی گیلانی، سید رضی، **درآمدی بر روش‌شناسی هنر اسلامی**، قم، نشر ادیان و انتشارات مدرسه اسلامی هنر، چ ۱، ۱۳۹۰.
۳۲. نصر، سید حسین، **هنر و معنویت اسلامی**، رحیم قاسمیان، تهران، دفتر مطالعات دینی هنر، ۱۳۷۵.
۳۳. نقی‌زاده، محمد، «نیاز انسان امروز به هنر دینی»، **هنر دینی**، ش ۱۵ و ۱۶، ص ۷۴ - ۵۷، ۱۳۸۲.
۳۴. نوروزی، مصطفی، «سینمای توحیدی»، **پگاه حوزه**، ش ۲۴۸، ۱۳۸۷.
۳۵. هیلن براند، رابرت، **معماری اسلامی**، ایرج اعتصام، تهران، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، چ ۳، ۱۳۸۶.
36. Beardsley, Monroe C, "Aesthetic Experience Regained", *The Journal of Aesthetics and Art Criticism*, vol. 28, No. 1, P. 3 - 11, 1969.
37. Berlin, Isaiah, *The Roots of Romanticism*, ed. Henry Hardy, Princeton: Princeton University Press, 1999.
38. Carroll, Noël, "Formalism", *The Routledge Companion to Aesthetics*, Third Edition, eds. Berys Gaut and Dominic McIver Lopes, London & New York: Routledge, P.87 - 95, 2013.
39. Collingwood, R. G, *Principles of Art*, Oxford, Clarendon Press, 1938.
40. Croce, Benedetto, *Guide to Aesthetics*, trans. P. Romanell, New York, Bobbs-Merrill, 1965.
41. Davies, Stephen, "Definition of Art", *The Routledge Companion to Aesthetics*, Third Edition, eds. Berys Gaut and Dominic McIver Lopes, London & New York, Routledge, P. 213 - 223, 2013.
42. Dickie, George, *The Art Circle: A Theory of Art*, New York, Haven, 1984.
43. Eichenberger, Ambros, "Approaches to Film Criticism", *New Image of Religious Film*, ed. John R. May, Kansas City: Sheed & Ward, P. 3 - 16, 1997.
44. Janaway, Christopher, "Plato", *The Routledge Companion to Aesthetics*, Third Edition, eds. Berys Gaut and Dominic McIver Lopes, London & New York: Routledge, P. 3 - 12, 2013.
45. John, Eileen, "Art and knowledge", *The Routledge Companion to Aesthetics*, 2nd Edition, eds. Berys Gaut and Dominic McIver Lopes, London: Routledge, P. 417 - 429, 2005.
46. Pappas, Nickolas, "Aristotle", *The Routledge Companion to Aesthetics*, Third Edition, eds. Berys Gaut and Dominic McIver Lopes, London & New York: Routledge, P. 13 - 23, 2013.
47. Stecker, Robert, "Definition of Art", *The Oxford Handbook of Aesthetics*, ed. Jerrold Levinson, New York, Oxford University Press, P. 135 - 154, 2005.
48. Tillich, Paul, *Theology of Culture*, ed. Robert C. Kimball, London, Oxford University Press, 1970.
49. Weitz, M., "The Role of Theory in Aesthetics", *Journal of Aesthetics and Art Criticism*, No. 15, P. 27 - 35, 1956.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی